

باسمه تعالی

چارچوب تحقق کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر نظارت کارآمد

چکیده

ارتقاء پایدار کارآمدی نظام در همه عرصه ها به عنوان مهم ترین و حیاتی ترین اولویت نظام جمهوری اسلامی ایران در دو گام میسر و امکان پذیر است.

گام اول، مستلزم عزم جدی مسئولین ارشد و کارگزاران نظام جهت تحقق کارآمدی در همه عرصه ها، با نظارت کارآمد و سیستمی بر عملکرد مسئولین، مشروط به رعایت چارچوب مطروحه در این پژوهش و توجه به الزامات آن است.

گام دوم، پس از تحقق کارآمدی در همه عرصه ها توسط کارگزاران نظام و در پی آن افزایش اعتماد اجتماعی، با همراهی ملت، تحقق ارتقاء پایدار کارآمدی نظام در همه عرصه ها فرا می رسد.

در راستای حل مسئله کارآمدی نظام در همه عرصه ها سؤال اصلی تحقیق این است که ارتقای کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر نظارت کارآمد چگونه تأمین می شود و سایر مولفه های مهم و تعیین کننده آن چیست؟ فرضیه اصلی تحقیق بدین صورت است که فقدان انسجام و هم افزایی ساختار کلان نظام و نهادها، در راستای سیاست های کلان و برنامه های ابلاغی، تحت مدیریت واحد و اعمال نظارت کارآمد، باعث عدم دستیابی به کارآمدی در حوزه های ناکارآمد شده است. مهمترین دست آورد تحقیق موید این حقیقت است که انسجام و هم افزایی ساختار کلان نظام با اعمال مدیریت واحد و نظارت موثر نهاد عالی نظارت در راستای تحقق سیاست ها و برنامه های کلان ابلاغی و قوانین مصوب، با همراهی ملت موجبات ارتقای کارآمدی نظام را در تمامی عرصه ها فراهم می سازد. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: ارتقای کارآمدی، هم افزایی ساختاری، نظارت کارآمد، نهاد عالی نظارت

الف) مقدمه:

مهمترین ویژگی هر نظام سیاسی، احراز کارآمدی در همه عرصه ها و ارتقای پایدار آن است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و احراز کارآمدی و ارتقای آن از جمله مباحثی است که در دهه‌های اخیر موجبات دغدغه و نگرانی فرهیختگان و دلسوزان نظام را فراهم کرده است. کارآمدی در حقیقت بیانگر مدیریت نظام توسط کارگزاران واجد شرایط و توانمند آن است و ایفای بهینه کار ویژه‌های نظام، علاوه بر تحقق اهداف، حداکثر رضایت‌مندی مردم را در پی خواهد داشت. تحقیق پیش رو تأکیدی است بر یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظایف و مسئولیت‌های کارگزاران نظام‌های سیاسی، یعنی ارتقای پایدار کارآمدی نظام. جمهوری اسلامی ایران با هدف تحقق عینی نظام نوین و کارآمد مردم سالاری دینی شکل گرفته است؛ اگر جوهره مردم‌سالاری را مشارکت عمومی آحاد جامعه بدانیم، بی‌شک دین اسلام بر مشارکت عمومی تأکید شایانی داشته و دارد لذا با توجه به جهات فوق الذکر جمهوری اسلامی ایران نیازمند ارائه عملکرد مطلوب جهت دستیابی به کارآمدی حداکثری در همه عرصه ها یا به عبارت دیگر ارتقای پایدار کارآمدی است؛ در این خصوص مقایسه زمان حال با دوران پیش از انقلاب یا حتی نسبت‌سنجی آن با نظام‌های سایر جوامع هرچند در جای خود امری لازم است، لکن جهت نتیجه‌گیری در خصوص کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران منطقی نیست؛ زیرا معیار کارآمدی هر نظام سیاسی، تحقق اهداف، اثبات کارآیی در شرایط متغیر، و کسب رضایت حداکثری مردم است. علاوه بر اهداف مذکور، جمهوری اسلامی ایران همانند سایر نظام‌های موجود دنیا عهده‌دار وظایف و مسئولیت‌هایی است که در اغلب موارد در عناوین کلی با سایر نظام‌ها مشترک است؛ به عبارت دیگر، این کارکردها جزء وظایف ذاتی نظام‌های سیاسی با هر گرایش و نوع نگرش به جهان تلقی می‌شوند؛ از جمله گسترش عدالت اجتماعی، حاکمیت قانون، مشارکت عمومی، شفافیت، نظارت عمومی، رفاه، امنیت، اشتغال، مهار تورم، حفظ محیط زیست، جلوگیری از تعارض منافع، مبارزه با فقر و مبارزه با فساد در انواع آن؛ بنابراین برای سنجش کارآمدی، ضمن دقت نظر در چگونگی و میزان تحقق اهداف از قبل تعیین شده در بازه زمانی مقرر و با کیفیت مشخص می‌بایست آحاد جامعه نیز به این باور برسند که نظام حکومتی در حل مشکلات آنان تواناست. ساختار کلان نظام‌های سیاسی همواره در طول تاریخ به واسطه کانون‌های قدرت و سرمایه بیش از سایر حوزه‌ها دستخوش آسیب‌ها و انحرافات بوده است. از این رو بررسی آسیب‌شناسانه آن پیش‌شرطی برای تحقق اصلاحات، افزایش کارآمدی و ضریب نفوذ اجتماعی

نهادهای رسمی تلقی می‌شود. نگارنده در این پژوهش در صدد قضاوت در خصوص چگونگی کارآمدی نظام سیاسی و ذکر دلایل آن نیست، بلکه با توجه به واقعیت‌ها و پتانسیل‌های موجود درون نظام و با عنایت به جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در صحنه داخلی و بین‌الملل مدعی است سهم نظام در ارتقای کارآمدی علی‌رغم مشکلات موجود در عرصه‌های داخلی و خارجی، در صورت نظارت مؤثر بر اجرای برنامه‌های ابلاغی و قوانین مصوب، به مراتب می‌تواند بیش از حد فعلی باشد. این انقلاب با بهره‌گیری از عنصر مذهب، رهبری و مردم موفق شد به سلسله حکومت‌های طاغوتی خاتمه دهد و حکومتی مبتنی بر «جمهوریت» و «اسلامیت» ایجاد نماید. عناصر یاد شده با پشتیبانی جمهور در راستای هدایت بنیان‌گذار انقلاب به‌سان ظرفیتی متراکم و بی‌نظیر در مقاطع مختلف و در صحنه‌های بسیار مهم و تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز انقلاب همچون جنگ تحمیلی، کودتاها و بحران‌های قومی و منطقه‌ای توانسته فرصت‌هایی بی‌بدیل برای شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت‌ها فراهم سازد و حاوی برکات و دستاوردهای ارزشمندی برای عبور از بحران‌ها باشد؛ این در حالی است که در برخی زمینه‌ها و امور اجرایی کشور به دلیل عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های بالقوه ساختاری و استفاده نکردن از ظرفیت‌های مقرر در قانون اساسی، متأسفانه علی‌رغم هزینه‌های سنگین مادی و معنوی، فرصت‌های پیش روی انقلاب در مواردی حتی به تهدید تبدیل شده‌اند. قضاوت مردم درباره کارآمدی نظام بیش از آن‌که بر اساس مبانی نظری و دکترین نظام باشد بر اساس عملکرد مسئولان نظام است و نظام جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم پیشرفت‌های شگفت‌انگیز در عرصه‌های مختلف علمی، نظامی و... در برخی عرصه‌ها با چالش‌هایی روبرو است. باید توجه داشت رسیدن به کارآمدی در حوزه‌های ناکارآمد از جمله اقتصاد میسر نیست مگر زمانی که زاویه دید و مسیر انتخاب شده بر بنیانی از تخصص، تجربه و تلاش گذارده شده و مهمترین اولویت نظام ارائه چارچوب مطلوب و روش مند جهت احراز کارآمدی و ارتقای پایدار آن باشد. مذاقه و ارزیابی امور در چهار دهه برنامه‌ریزی‌های توسعه در ایران، عدم تناسب حجم عظیم منابع مصرف شده با نتایج و محصولات نهایی و دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی در جهت توسعه و پیشرفت را نشان می‌دهد و در برخی دوره‌های اجرایی، برنامه‌ها و سیاست‌های ابلاغی، حلقه مفقوده برای مدیران و مسئولان دست‌اندرکار نظام بوده و در نبود نظارت عالیه و مؤثر بر عملکرد آنان در سطوح مختلف نهادی و رسمی نتایج حاصله رقم خورده است.

اهمیت تحقیق مبتنی بر این حقیقت است که هم افزایی ساختار کلان نظام با اعمال مدیریت واحد و با تاکید بر نظارت کارآمد، در راستای سیاست های کلان و برنامه های ابلاغی موجب ارتقای کارآمدی نظام در تمامی عرصه ها می شود؛ به عبارت دیگر، وجود یک نظام کامل نظارت کارآمد بر ارکان و زوایای امور اجرایی کشور از مهم ترین الزامات تحقق کارآمدی و ارتقای پایدار آن در همه عرصه های نظام سیاسی است.

نظارت های موجود نه تنها تاثیر تعیین کننده و مشخصی در ارتقای کارآمدی نظام نداشته است بلکه در مواردی با احساس کاذب اعمال نظارت، موجبات غفلت مسئولان نظام از واقعیت های عملکردی مدیران در سطوح مختلف شده است.

ب) ادبیات و پیشینه پژوهش

پژوهش های «کارآمدی در نظام سیاسی ایران» از سابقه زیادی در ادبیات سیاسی کشور برخوردار نیست و موارد موجود عمدتاً با رویکردی نظری، بدون توجه به ویژگی ها و خصوصیات متمایز شکلی و محتوایی ساختار کلان نظام جمهوری اسلامی ایران، نگاشته شده است.

پیشینه پژوهشی موضوع در حوزه کارآمدی و نظارت در ذیل به اختصار بیان می شود.

۱- نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری

عباسعلی عمید زنجانی، ابراهیم موسی زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم ۱۳۹۹.

در این کتاب، به طور جامع مباحث مربوط به نظارت بر اعمال حکومت بر مبنای شرع و قانون اساسی و از منظر حقوق عمومی مطرح شده که در صورت اجرای صحیح سازوکارهای مطروحه، بخش قابل توجهی از نقایص موجود در اداره امور نظام برطرف می شود، لیکن با توجه به ویژگی خاص مبتنی بر دیدگاه وحیانی نظام جمهوری اسلامی ایران و تمایز آن با اهداف و ماهیت نظام های تفکیک قوای مرسوم، و با عنایت به ضرورت وحدت فرماندهی در هر نظام سیاسی از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران مشخص نیست مسئولیت اجرای صحیح یا عدم اجرای مناسب ساز و کار نظارت در قوا و نهادهای نظام و در نتیجه احراز چگونگی عملکرد و میزان کارآمدی مسئولان جهت تحقق کارآمدی نظام و نهایتاً تدبیر به موقع امور، بر عهده چه شخصیت و جایگاهی است.

۲- نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی

محمد راسخ، تهران، انتشارات دراک، چاپ ششم، ۱۳۹۸.

کتاب در عین اختصار، نظام نظارت و تعادل را به صورت نظری از منظر حقوق اساسی و با نگرش به عنصر تعادل در ساختار تفکیک قوا به خوبی تشریح نموده، لکن درباره کارآمدی یا ناکارآمدی نظام نظارتی موجود، فاقد تحلیل و آسیب شناسی است.

۳- جمهوری اسلامی ایران و چالش های کارآمدی

سید مرتضی نبوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.

مهمترین چالش های کارآمدی با رویکرد کارکرد گرایی، در این اثر مورد بررسی قرار گرفته است، از جمله فربه و حجیم شدن نهاد اجرایی، نبود هماهنگی و انسجام بین قوا، و عدم اجماع نخبگان در تدبیر امور، لکن نویسنده بیشتر در ارائه محتوای نظری و پیشنهادات کلی موفق بوده تا تبیین برنامه عملی و کاربردی برای حل معضلات و چالش های نظام؛ در حالی که ارائه برنامه و راه حل عملی و قابل اجرا در شرایط فعلی مهمترین ابزار و اهرم مدیریتی برای حل چالش های نظام است.

۴- نگرش سیستمی و مسئله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر ظرفیت های نهاد ولایت (مقاله)

سید غلامرضا موسوی، احمد واعظی، قم، نشریه علوم سیاسی (دانشگاه باقرالعلوم)، سال شانزدهم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۶۴.

نویسندگان سعی کرده اند بر محور یکپارچگی مجموعه نظام، تحلیلی جامع ارائه دهند که بسیار حائز اهمیت و تعیین کننده است؛ بر این مبنا نگرش سیستمی را پایه و اساس تحلیل خود قرار داده و با بررسی رابطه تنگاتنگ رویکرد سیستمی با کارآمدی نظام به نقش نهاد رهبری در مجموعه نظام و تأثیر اجتناب ناپذیر آن در تحقق کارآمدی پرداخته اند؛ بدین لحاظ هدف گذاری مناسبی در جهت تحقق کارآمدی نظام شده است، لکن رویکردشان در ایجاد یا اعمال تغییرات

ساختاری جدید با توجه به واقعیت‌ها و روش‌های مدیریتی موجود، نه شدنی است و نه به صلاح، و در صورت اجرا، علاوه بر حجیم شدن کمیت متراکم فعلی مشکلات دیگری برای نظام ایجاد می‌شود.

۵- درآمدی به مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران

علیرضا زهیری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸

نویسنده با رویکردی آسیب‌شناسانه در پی شناسایی چالش‌های پیش روی نظام جمهوری اسلامی در سطح ساختار و کارکردهای آن است و این‌که بهره‌گیری از الگوی حکمرانی خوب از طریق شرکت دادن نهادهای مدنی در حکمرانی و دخالت دادن بخش خصوصی در برخی امور را عامل افزایش کارآمدی دولت نشان دهد و فاصله وضع موجود با آرمان‌های نظام سیاسی و انتظارات مردم را نیز تبیین کند.

۶- حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی

محمد جواد لاریجانی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴.

نویسنده ضمن تبیین تمایز مشخص دو مفهوم مشروعیت و کارآمدی و این‌که همه مفاهیم سیاسی از این دو جنبه مختلف، قابل بررسی‌اند تلاش کرده است ساختاری معقول از حکمرانی ارائه دهد.

علاوه بر مفاهیم مشروعیت و کارآمدی، دو مفهوم دیگر نیز در این کتاب جایگاه ویژه‌ای دارند؛ «عمل ارادی» و «عقلانیت عمل». وی با طرح مسئله عقلانیت و ناکافی دانستن «عقل فنی» که جوهر مدرنیته را تشکیل می‌دهد، بحث را به سوی مبنای اصیلی برای عقلانیت سوق داده است.

۷- بررسی عوامل مؤثر بر کارآمدی سیاسی دولت‌ها در منطقه غرب آسیا (مقاله)

داوود پرچی و فاطمه جلالی، تهران، مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، ۱۳۹۵، شماره ۷۱.

یافته‌های مقاله بیانگر آن است که «کنترل فساد» و «کیفیت مقررات» در کشورهای منطقه دو شرط اصلی و ضروری برای حصول کارآمدی سیاسی است و البته مورد اول از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ لذا دولت‌ها می‌بایست برای افزایش کارآمدی به دنبال کنترل و کاهش فساد باشند.

۸- بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر ناکارآمدی نظام سیاست‌گذاری در ایران (مقاله)

سعید عطار، علی خواجه نایینی، ۱۳۹۴

نویسنده با اذعان به ناکارآمدی نظام سیاست‌گذاری در ایران، ماهیت آن را تابعی از مختصات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند و موفقیت یا عدم موفقیت این نظام در تحقق اهداف را با استفاده از روش تحلیل اسنادی ذیل اجزایی شش‌گانه مورد بررسی قرار می‌دهد. این اجزاء عبارتند از: نظام حقوقی غیر منسجم، ساختار سیاسی نامساعد، شکاف‌های اجتماعی متعدد، بستر فرهنگی نامناسب، اقتصاد رانتیر و عدم انتظام در سیاست‌گذاری.

۹- کارآمدی فقه سیاسی در نظام مردم سالار دینی (مقاله)

محسن قمی، سید مهدی فقیهی واعظی، ۱۳۹۲

نویسنده درصدد اثبات توانایی و کارایی فقه شیعه با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های آن در حل معضلات نوظهور اجتماعی و سیاسی عصر حاضر است و پیروزی انقلاب اسلامی را به نوعی موتور محرک آغاز حرکت فقه پویا به سوی توانایی‌ها و کارآمدی علمی و عملی فقه می‌داند.

۱۰- تعاملات کارآمدی و مشروعیت نظام‌های سیاسی (مقاله)

محمد شفیع‌فر و مصطفی قربانی، ۱۳۹۵

نویسندگان کارآمدی و مشروعیت نظام‌های سیاسی را در ارتباط و تعامل مستقیم و متقابل، به نحوی که همزمان همدیگر را تقویت یا تضعیف می‌کنند دانسته‌اند، لیکن معتقدند علی‌رغم کنش و واکنش متقابل کارآمدی و مشروعیت، کارآمدی یک نظام به‌تنهایی نمی‌تواند علت پیدایش مشروعیت اولیه (حقانیت) آن باشد و تأثیرگذاری کارآمدی بر مشروعیت، به خاستگاه مشروعیت حکومت‌ها نیز بستگی دارد.

۱۱- کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن (مقاله)

ابراهیم کلانتری، ۱۳۹۳

نویسنده با توجه به نقش ویژه‌ای که کارآمدی در اقتدار و ثبات سیاسی حکومت‌ها دارد جهت کارآمدی نظام اسلامی چهار ساز و کار را بیان می‌کند که عبارتند از: اجتهاد روشمند در منابع اصیل اسلامی، تکیه بر علم و استفاده از دستاوردهای علمی جدید، تکیه بر کارشناسی‌های گروه‌های مشورتی، و اختیارات تفویض شده به حاکم اسلامی. وی معتقد است نظام سیاسی اسلام، هم از زاویه ابتدا بر اصول و باورها، هم ساختار و سازوکارهای حاکمیتی و هم اقدام و عمل، می‌تواند در جایگاهی کارآمدتر از سایر نظام‌های سیاسی دنیا قرار گیرد.

در دسته بندی و تجزیه و تحلیل ادبیات و پیشینه پژوهش بر اساس موارد مطروحه،

الف- برخی از نویسندگان در حوزه کارآمدی و موضوع نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران صرفاً به مباحث نظری پرداخته حتی در مباحث ارائه شده در خصوص بومی سازی و تطبیق آن با شرایط نظام جمهوری اسلامی ایران و امکان تحقق یا عدم تحقق مبانی مطرح شده و تاثیرات و نتایج حاصل از آن، تحلیل مشخصی ارائه نداده اند.

ب- تعدادی از پژوهشگران در مقوله کارآمدی تنها به برخی از مولفه های تعیین کننده و تاثیر گذار در تحقق یا عدم تحقق کارآمدی نظام مانند اجراء مر قانون، چاپک شدن دیوان سالاری و بوروکراسی موجود، هماهنگی و انسجام بین قوا، اجماع نخبگان در تدبیر امور، الگوی حکمرانی خوب، تقویت نهاد های مدنی، کنترل فساد، کیفیت مقررات و قانون گذاری، ترمیم شکاف های اجتماعی، جلوگیری از اقتصاد رانتهی، انتظام در سیاست گذاری، اجتهاد روشمند در منابع اصیل اسلامی، و... اشاره کرده طرح منسجمی در چگونگی تحقق کارآمدی نظام ارائه نشده است.

پ- برخی دیگر از نویسندگان به تاثیر بسیار مهم و تعیین کننده نهاد رهبری در امر تحقق کارآمدی نظام پرداخته و علی رغم جهت گیری درست و اساسی نسبت به موضوع مهم تحقق کارآمدی، از آنجا که طرح ارائه شده جهت اجراء، مستلزم ایجاد تغییرات ساختاری در کلان نظام است با توجه به واقعیت های موجود تحقق آن بعید به نظر می رسد. نگارنده، صرف نظر از مغفول ماندن «تأثیر شگرف و بی بدیل امر نظارت مؤثر به عملکرد مسئولین در تحقق کارآمدی نظام» در پیشینه ذکر شده (که این نقیصه وجه مشترک تحقیقات به عمل آمده است) به پژوهشی که واجد خصوصیت ها و ویژگی ها و چارچوب ذکر شده در این پژوهش باشد برخورد نکرده است.

ج- شبکه معنایی نظارت

در شبکه معنایی نظارت به مفهوم شناسی نظارت و ارکان نظارت برای ایجاد ایده مناسب در پژوهش پرداخته می شود.

۱- مفهوم نظارت

اهمیت نظارت در نظام‌های سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری و نقش تعیین‌کننده آن در اصلاح و روند تکاملی امور و تضمین سلامت نظام سیاسی، به عنوان یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در امر کارآمدی نظام بر کسی پوشیده نیست. موضوع نظارت و تأثیر تعیین‌کننده آن در نظام مدیریتی یکی از مباحث مهم و جدی در بررسی نظام‌های سیاسی است که هم در حیطه علمی و نظری و هم در فلسفه سیاسی و حقوق اساسی به آن توجه شده است. به‌طور کلی نظارت یکی از راهکارهای اساسی کنترل و تصحیح عملکرد در نظام‌های سیاسی شناخته می‌شود. در مورد نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مطالب پیش گفته در خصوص نقش مردم در نظام سیاسی، به لحاظ نقش دین در نظام که به آن مردم‌سالاری دینی اطلاق می‌شود اهمیت نظارت، به جهت آموزه‌های دینی و تأثیر عمیق آن در تحقق عدالت و ارزش‌های اسلامی مضاعف می‌گردد. به‌طوری‌که اساساً یکی از اهداف مهم تشکیل حکومت دینی که بزرگترین اصلاح در جامعه مسلمین محسوب می‌شود در حقیقت برای تحقق عدالت در کلیه عرصه‌های نظام و در تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی است و این عملی نیست مگر در صورتی که دست اندرکاران نظام و مردم در استقرار و استمرار نظارت موثر بر آن نقش داشته باشند. اسلام در مشی حکومتی خود اصل نظارت بر حاکمان را پذیرفته و مورد تأکید قرار داده است. سیره پیامبر گرامی (ص) و حضرت علی (ع) نشان می‌دهد که علی‌رغم توجه به احراز شایستگی کارگزاران بدان اکتفا نکرده، در امر نظارت و مراقبت از عملکرد آنان اهتمام جدی داشته‌اند (موسوی، ۱۳۸۸، ۱۱۲).

حضرت علی (ع) در دستورالعمل حکومتی به مالک اشتر برای تضمین حسن جریان امور از مالک می‌خواهد که با گماردن مأموران مخفی، رفتار و عملکرد کارگزاران را زیر نظر بگیرد و به نظارت بر آن‌ها اهتمام داشته باشد.

ثُمَّ تَقَدَّ أَعْمَالُهُمْ وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لَأَمُورِهِمْ حَدُّهُ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ (نهج البلاغه، ۱۳۹۲، ۴۱۶).

سپس همه کارهای کارگزاران را تحت نظر بگیر و بازرسان مخفی از میان مردمانی که اهل صدق و وفا هستند بر آنان بگمار، زیرا تحت نظر قرار دادن پنهانی امور کارگزاران، آنان را وادار به حفظ امانت و مدارا با رعیت می‌نماید.

در تصمیم‌گیری‌های کلان نظام - اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی - نیز مردم از حق مشارکت در امور نظام و نظارت بر حسن جریان امور برخوردارند. براساس این نوع نگرش، حضرت علی(ع) خود را متعهد می‌داند که مردم را در جریان امور بگذارد و گزارش مسائل را در غیر اسرار نظامی به آن‌ها ارائه کند و سپس توقع اطاعت از مردم داشته باشد.

أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي إِلَّا أُحْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ، وَلَا أُطَوَّى دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ وَأَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ وَجَبَتْ لِلَّهِ عَلَيْكُمُ النِّعْمَةُ وَلِيَ عَلَيْكُمُ الطَّاعَةُ (نهج البلاغه، ۱۳۹۲، ۴۰۶).

آگاه باشید، حقی که شما بر من دارید، این است که هیچ رازی را از شما مخفی ندارم، مگر در مسائل مربوط به جنگ، و شما را از اظهار نظر در امری کنار نزنم مگر در حکمی که صادر می‌کنم و همه شما نزد من درباره حق مساوی باشید. اگر چنین کردم نعمت خداوندی برای شما تثبیت شده و اطاعت من بر شما واجب است. امیرالمؤمنین علی(ع) از مالک اشتر می‌خواهد که پاسخ‌گو بودن در برابر سؤالات و اعتراضات مردم را جدی بگیرد و از برابر اعتراضات آن‌ها با بی‌اعتنایی عبور نکند:

وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةُ بِكَ خَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعَذْرِكَ، وَأَعِدْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِأَصْحَارِكَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ وَرِفْقًا بِرَعِيَّتِكَ (نهج البلاغه، ۱۳۹۲، ۴۲۰).

و اگر مردم جامعه تو را به تعدی و ظلمی متهم کردند و درباره تو بدگمان شدند، عذر خود را برای آنان آشکار کن و با آن عذر آشکار بدگمانی‌های آنان را از خود برگردان؛ زیرا در این اعتذار و رفع سوء تفاهم ریاضتی است برای نفس خود، و محبت و مدارایی است برای مردم جامعه.

این گونه نصوص دینی راه نظارت بر حکومت و حاکم را به روی عموم می‌گشاید و چون نظارت در هر زمینه نیازمند بررسی دقیق توسط کارشناسان مربوط به آن بخش است و قهراً عموم مردم نسبت به چگونگی و ارزش پاسخ‌ها نمی‌توانند قضاوت قطعی و منطقی داشته باشند به همین جهت به نظارت افرادی که در شناخت شرایط اساسی مدیران عالی و تشخیص عملکردها خبره باشند نیاز می‌افتد و طبیعتاً با گزینش افراد مجرب و تشکیل یک نهاد ویژه بدان اقدام می‌شود (موسوی، ۱۳۸۸، ۱۱۴). در نظام جمهوری اسلامی ایران با عنایت به اینکه هم در ساختار و هم در محتوا، نسبت به سایر نظام‌های سیاسی موجود دنیا از ویژگی خاص و مبتنی بر اصول اسلامی برخوردار است با توجه به اهمیت فوق العاده و جوب حفظ

نظام، موضوع نظارت پذیر بودن عملکرد و رفتار مسئولان از اهمیت خاصی برخوردار است. بدون وجود نظارت و کنترل، صحبت از سایر اجزای مدیریت مانند تدابیر لازم در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هدایت و سایر امور مهم دیگر، عملی ناقص خواهد بود. با اعمال نظارت و کنترل است که اطمینان از عدم وجود انحراف و انجام صحیح امور توسط مجموعه عوامل اجرایی حاصل می‌گردد (پیرنیاکان، ۱۳۹۹، ۶۹).

۲- ارکان نظارت

هر نظارتی از سه مرحله عملیات به هم پیوسته تشکیل می‌شود که در یک فرایند زنجیره‌ای، زمینه را برای تصمیم‌سازی فراهم می‌آورد.

الف - جمع‌آوری اطلاعات؛ احراز و گردآوری اطلاعات لازم شفاف و معتبر، نخستین رکن هر نظارت را تشکیل می‌دهد. نظارت در صورتی به هدف مطلوب می‌رسد که ناظر اطلاعات معتبر و کافی برای کشف ماهیت موضوع یا عملکرد مورد نظارت را در اختیار داشته باشد. اطلاعات بی‌اساس و مغرضانه نه تنها کارآمد نیست، بلکه گمراه‌کننده ناظر است و از آسیب‌های جدی نظارت به شمار می‌رود.

ب - تجزیه و تحلیل اطلاعات، در کنار هم چیدن اطلاعات پراکنده، تجزیه و تحلیل کارشناسانه و جمع‌بندی اطلاعات مزبور دومین و دشوارترین مرحله نظارت است که باید توسط منابعی غیر از منابع تهیه‌کننده اطلاعات انجام گیرد. بی‌شک، طبقه‌بندی اطلاعات مربوط به موضوع مورد نظارت، مرتب کردن اجزای ناپیوسته اطلاعات به گونه منطقی، شفاف و هوشمند نقش فوق‌العاده‌ای در نتیجه‌گیری دارد که از هر کسی ساخته نیست.

ج - نتیجه‌گیری و تصمیم‌سازی، دست‌یابی به نتیجه و تصمیم‌سازی، رکن دیگر هر نظارت است. هر نظارتی ناگزیر باید به تصمیم‌سازی برسد که بر اساس آن وضع موجود را تثبیت [کند] یا تغییر دهد؛ در غیر این صورت نظارت عقیم و بی‌فایده خواهد بود؛ زیرا نظارت یک نوع عمل اکتشافی است که با ارزیابی عملکرد به نتیجه مطلوب می‌رسد (سلیمی، ۱۳۹۰، ۱۱). بی‌شک هنگامی که مسئولیت امور عمومی به افراد واگذار می‌شود، نیاز به نظارت، شفاف‌تر و ضروری‌تر خواهد بود. در جهان معاصر نه تنها اعمال حکومتی، بلکه همه موارد عمومی تحت نظارت دولت قرار دارند و مراکز خودیاری مردم، تعاونی‌ها و نهادهای مردمی با نظارت دولت‌ها فعالیت می‌کنند (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۹۹، ۴۷).

۳- نظارت در حقوق عمومی

از دیدگاه اسلام نظارت به طور عام و نظارت بر اعمال حکومت به طور خاص خاستگاه قرآنی دارد. پیشنهاد نظارت در حقوق عمومی را می‌توان در حکومت اسلامی صدر اسلام (حکومت نبوی و علوی) به‌خوبی جست‌وجو کرد. در غرب نظارت بر اعمال حکومت تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری نظام‌های سیاسی مبتنی بر اصل تفکیک قوا است. قلمرو نظارت در حقوق عمومی بسیار برجسته و گسترده است؛ مسئله مشروعیت نظام سیاسی، اعمال حکومت و رفتار نهادهای حکومتی در حوزه نظارت حقوق عمومی قرار دارند (سلیمی، ۱۳۹۰، ۱۵). در عصر حاضر که جوامع مختلف می‌کوشند از راه‌های گوناگون سازوکار خودکنترلی را در مجموعه‌های‌شان و حتی در اجتماع تحقق بخشند در نهادهای ما نیز به نحو اولی باید مدیران و دست‌اندرکاران با شروع خودکنترلی و اصلاح وضع خود و طبیعتاً الگو قرار گرفتن تلاش کنند تا با هدایت و ارشاد، افراد مجموعه را به سوی خودکنترلی سوق دهند و با کار فرهنگی لزوم نظارت‌های بیرونی را به حداقل ممکن برسانند تا در نتیجه مجموعه نهادهای نظارتی با فرهنگ‌سازی و جهت‌گیری‌های عملی مناسب، خودکنترلی را جایگزین دیگر کنترلی سازند (موسوی، ۱۳۸۸، ۱۲۶). در حقوق عمومی چون بحث رابطه حکومت و ملت و سپردن سرنوشت جامعه و امور عمومی به فرد یا افرادی خاص مطرح است ضرورت نظارت تعریف شده و کارشناسانه امری کاملاً مبرهن و منطقی به نظر می‌رسد. نظارت نکردن دقیق بر اعمال حکومت همان گونه که در پیدایش حاکمیت استبداد و تداوم خودکامگی دولت‌ها تأثیرگذار است در ایجاد انقلاب‌ها و تحولات سیاسی- اجتماعی نیز نقش دارد. به جرئت می‌توان ادعا کرد که مبارزه با خودکامگی دولت‌ها، متوقف کردن اعمال حکومتی بیرون از دایره نظارت و تأمین نظارت قانونی بر اعمال حکومت یکی از عوامل پدیداری انقلاب‌ها و تحولات سیاسی در گوشه و کنار جهان به شمار می‌رود. در اثر این گونه تلاش‌ها امروزه نه فقط اعمال حکومت بلکه همه امور عمومی تحت نظارت قرار دارند (سلیمی، ۱۳۹۰، ۱۵).

د- ضرورت نهاد سازی تحت عنوان نهاد عالی نظارت در جمهوری اسلامی ایران

نظام جمهوری اسلامی به منظور دستیابی به اهدافش نیازمند نهادسازی متناسب با هدف‌گذاری‌هایش است. و با توجه به تاثیر تعیین کننده و بی بدیل نظارت موثر و کارآمد در تحقق کارآمدی نظام در همه عرصه ها و به دنبال آن ارتقاء پایدار

کارآمدی نظام و جهت نظارت بر عملکرد روسای قوا و مجامع و مسئولان و کارگزاران ارشد و میانی نظام در چگونگی تحقق اهداف و برنامه های ابلاغی و ضرورت حصول اطمینان از عملکرد مناسب نهاد های نظارتی موجود، در امر نظارت موثر در اجرای قوانین و برنامه های ابلاغی از سوی دستگاه های مسئول و همچنین نظارت بر عملکرد دفاتر، نهادها، شوراهای و مجامع خارج از حیطه نظارتی نهاد های نظارتی موجود پیشنهاد نگارنده، از جمله بر اساس بندهای ۱ و ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی تاسیس نهاد عالی نظارت تحت نظر رهبر معظم انقلاب می باشد.

طبیعی است این نهاد به لحاظ اجتناب از ایجاد کمیت متراکم و رسیدن به کیفیت مطلوب با حداقل نفرات کارشناس و متخصص می بایست الگوی نظام در نهاد سازی باشد.

این نهاد نظارتی به طور کارآمد و موثر با اشراف طولی و رتبی به کلیه ارکان نظام از جمله مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان و با رعایت عدم دخالت در امور اجرایی با استفاده از ظرفیت ها و تجمیع کارکردها و استعدادهای نظارت های موجود و ضمن پر کردن خلأهای نظارتی، به طور مستمر گزارش عملکرد دفاتر، نهادها و سازمان های تحت امر و کلیه ارکان نظام از جمله در خصوص چگونگی تحقق یا عدم تحقق سیاست ها و برنامه های ابلاغی در زمان های مقرر را، مستقیماً به رهبری نظام ارائه خواهد داد (موسوی، ۱۳۸۸، ۱۲۹).

مهمترین اولویت و وظیفه نهاد عالی نظارت با اجتناب از کمیت متراکم و احراز کیفیت تخصصی و کارشناسی این چنین است.

الف- نظارت عالی بر موردی و مستمر بر عملکرد مسئولان ارشد و مقامات نظام

ب- نظارت بر حسن جریان و عملکرد مسئولان دستگاهها و نهادهای ذی ربط و پایش میزان تحقق اسناد چشم انداز، برنامه های توسعه، قوانین ابلاغی و مصوب و شاخص های مهم اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی بر اساس جزئیات برنامه زمان بندی.

در خصوص عملکرد دستگاه های نظارتی موجود، از جمله هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، صرف نظر از حدود و ثغور حیطه وظائف و اختیارات و اینکه آیا این هیئت می تواند علاوه بر مرحله تقنین، در حوزه عملکردی و اجرا نیز نظارت داشته باشد ؟ رویکرد این پژوهش بنا به اهمیت موضوع نظارت موثر و کارآمد در احراز کارآمدی و ارتقای آن

در نظام و همچنین ضرورت پرهیز از تعارض منافع و همچنین بنا به دلایل عدیده دیگر می بایست نهادی که وظیفه آن انحصاراً نظارت بر چگونگی تحقق اهداف، سیاست ها، و برنامه های ابلاغی است تحقق این وظیفه را رصد و خروجی آن را به رهبر معظم انقلاب گزارش نماید.

ه- شرایط و الزامات ناظران نهاد عالی نظارت

با توجه به تاثیر بی بدیل عملکرد ناظران نهاد رهبری در کارآمدی نظام و ضرورت توجه به جامعیت و مانعیت این نهاد در جهت ارتقای کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران می بایست در خصوص جذب و بکارگیری عناصر لایق و متخصص علاوه بر شایسته گزینی، مقررات و ضوابط سخت گیرانه ای در ورود و خروج این افراد به نهاد عالی منظور داشت. از جمله:

۱- گزینش ناظران می بایست در حد ضرورت، توسط افراد امین و مورد اعتماد رهبری و از بین افراد متخصص و کارشناس انتخاب شوند.

۲- از گسترش بی رویه تشکیلات و ایجاد کمیت متراکم به شدت پرهیز شود.

۳- دقت بایسته در جلوگیری از هر نوع تعارض منافع و وابستگی جناحی و گروهی در انتخاب ناظران به عمل آید.

۴- ممنوعیت هر نوع وابستگی قبلی و جلوگیری از پیوستن های بعدی به سازمان ها و نهادهای موضوع نظارت سخت گیرانه پایش شود.

۵- از هر نوع وابستگی های حقوقی، رفاهی و ... به سازمان ها و نهادها و موضوعات نظارتی جلوگیری و به طور مستمر و سخت گیرانه پایش شود.

۶- ناظران موظف هستند طبق ضوابط و مقررات ابلاغی نتیجه بررسی و پایش عملکرد و اقدامات مسئولین را به رهبر معظم انقلاب گزارش نمایند.

۷- ناظران در خصوص عملکرد خود در قبال گزارشات ارسالی دارای مصونیت و فقط موظف به پاسخگوئی به رهبر معظم انقلاب هستند.

۸- ناظران می‌بایست پیشرفت کار سیاست‌گذاری‌های کلان ابلاغی و برنامه‌های توسعه پنج ساله و برنامه و بودجه یکساله را طبق جزئیات برنامه زمانبندی پیوست برنامه‌ها، پایش و درصد تحقق یا عدم تحقق برنامه‌های ابلاغی و قوانین را گزارش نمایند. طبیعی است عدم پیوست جزئیات زمانبندی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان ابلاغی موید عدم تصمیم‌گیری مسئولین و دست‌اندرکاران ارشد نظام جهت تحقق برنامه‌ها بوده و موارد ابلاغی صرفاً تولید محتوا محسوب می‌شود.

و- چارچوب تحقق کارآمدی و ارتقای آن در نظام جمهوری اسلامی ایران در دو گام

ایده پژوهش به عنوان ضروری‌ترین، حیاتی‌ترین و کلیدی‌ترین مسئله نظام جمهوری اسلامی ایران، تحقق کارآمدی نظام در تمامی عرصه‌ها در گام اول و ورود به دوران پایدارسازی کارآمدی و ارتقای آن در گام دوم است.

ایده پژوهش مستلزم ایجاد تغییرات اساسی در ساختار کلان و روابط بین قوا و نظارت‌های تعبیه شده در ساختار طبق اصول قانون اساسی نیست و در وضعیت فعلی با توجه به مولفه‌های ذیل کاربردی است.

برای احراز کارآمدی در حوزه‌های ناکارآمد و ارتقای آن در حوزه‌های کارآمد می‌بایست همه ظرفیت‌های ساختار کلان و کلیه نهاد‌های نظام در تمامی عرصه‌ها به صورت منسجم، یکپارچه و هم‌افزا تحت مدیریت واحد عمل نمایند.

و برای حصول اطمینان از پیشرفت امور و تحقق به موقع اهداف می‌بایست نظارت مؤثر و کارآمد بر کم و کیف و چگونگی عملکرد مسئولان ارشد و میانی نظام بر اساس سیاست‌گذاری‌های ابلاغی، اعم از اسناد چشم‌انداز، برنامه‌های توسعه و پیشرفت پنج ساله و برنامه و بودجه یکساله طبق پیوست جزئیات زمان‌بندی برنامه‌ها از طریق نهاد عالی نظارت پایش و با ارسال گزارش عملکرد مسئولان، به رهبر معظم انقلاب تدابیر مقتضی اتخاذ شود.

راهکار عملیاتی و کاربردی پژوهش در تحقق ارتقای پایدار کارآمدی نظام جمهوری اسلامی با تعریف ذیل از کارآمدی به شرح آتی می‌باشد:

«اقدام حکومت در تحقق اهداف کوتاه مدت (برنامه و بودجه سالیانه)، میان مدت (برنامه‌های توسعه پنج ساله) در راستای اهداف بلند مدت نظام (سیاست‌های کلان ابلاغی) در بازه زمانی مقرر در پیوست زمان‌بندی برنامه‌ها»

گام اول: تحقق کارآمدی نظام در تمامی عرصه‌ها

در گام اول بر اساس آموزه های دینی برای اصلاح امور جامعه و افزایش کارآمدی نظام به طور اجتناب ناپذیر و بنا به ضرورت می بایست از مسئولین عالی رتبه و کارگزاران نظام شروع کرد.

در این راستا شش اقدام مهم و کلیدی از سوی حاکمیت می بایست انجام پذیرد.

۱- علمی و عملی بودن سیاست‌ها و برنامه های ابلاغی جهت اجرا در زمان های پیش بینی شده

۲- اولویت سنجی، هم مسئله بودن و اجماع مسئولین ارشد نظام در تحقق اولویت ها

۳- پیوست جزئیات زمانبندی برنامه ها بر اساس اولویت ها و مسائل مورد اجماع

۴- انسجام، بهم پیوستگی و هم افزائی ساختار کلان نظام و اعمال مدیریت واحد

۵- نظارت مؤثر و کارآمد نهاد عالی نظارت بر عملکرد مسئولان ارشد و میانی در تحقق برنامه ها

۶- مقابله هم زمان، مستمر و همه جانبه با انواع فساد از سوی قوا و نهاد های ذیربط و پایش آن از سوی نهاد عالی نظارت

۱- علمی و عملی بودن سیاست‌ها و برنامه های ابلاغی جهت اجرا در زمان های پیش بینی شده

منظور از دستیابی به اهداف و سیاست‌های نظام، توان نظام در دستیابی کامل (نه نسبی) به اهداف مندرج در سیاست‌های

کلی نظام، سند چشم انداز، برنامه‌های توسعه در زمان مقرر است؛ چرا که محتوای اسناد بالادستی از منظری عصاره

ارزش‌های مادی و معنوی مورد نظر نظام است. محتوای سیاست‌های کلی نظام مبتنی بر جهت‌گیری کلی کشور در همه

عرصه‌های حکومتی است که از سوی مقام معظم رهبری به موجب بند اول از اصل یکصد و نهم قانون اساسی تعیین می‌شود

(غلامی و بهادری، ۱۳۹۲، ۵۱). هدف اصلی این سیاست‌ها ایجاد انضباط در کشور و مشخص‌کننده هندسه کلی نظام

است. در سیاست‌های کلان ابلاغی رهبر معظم انقلاب که علی‌القاعده مطلوبیت های کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت

نظام را در بر دارد. در ارزیابی شاخص کارآمدی، علاوه بر ابعاد علمی و نظری آن نیازمند توجه به مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار بومی و تبیین شاخص‌ها جهت سنجش میزان رشد و پیشرفت است. باید توجه داشت برخی شاخص‌های کارآمدی در همه نظام‌ها مشترک، و برخی به تناسب ایده‌های مبنایی، اهداف و آرمان‌های هر جامعه و چگونگی عملکرد نظام سیاسی متفاوت‌اند. نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اشتراک در شاخص‌های مشترک همانند سایر نظام‌های سیاسی، دارای معیارهای ارزشی مبتنی بر جهان‌بینی الهی، اهداف و اصول قانون اساسی، محوریت امام و رهبری است. توجه جدی به این موارد و رعایت شاخص‌های مذکور، پیامدهای مهمی در توسعه و پیشرفت همه جانبه و افزایش سطح رضایت‌مندی افراد جامعه و پایداری کارآمدی نظام در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... دارد و نهایتاً مشروعیت ثانویه یا استمراری نظام را در پی خواهد داشت؛ علاوه بر آن بستر افزایش سرمایه‌های اجتماعی و جلوگیری از بروز هرگونه بحران‌های داخلی، و مقابله به موقع و قاطع با بحران‌های تحمیلی خارجی می‌شود. و این مهم میسر نخواهد شد مگر با مدیریت صحیح خرد جمعی و استفاده از نظر فرهیختگان، و دست اندرکاران نظام و تجمیع استعدادهای جامعه توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت دستیابی کامل (نه نسبی) به اهداف مندرج در سیاست‌های کلی نظام، سند چشم انداز، برنامه‌های توسعه در زمان مقرر

۲- اولویت سنجی، هم مسئله بودن و اجماع مسئولین ارشد نظام در تحقق اولویت ها

هم مسئله بودن و اجماع مسئولین ارشد نظام نسبت به تحقق اولویت های سیاست های ابلاغی، ضرورت قطعی و اجتناب ناپذیر تحقق برنامه ها و ارتقای کارآمدی است.

۳- پیوست جزئیات زمانبندی برنامه ها بر اساس اولویت ها و مسائل مورد اجماع

اولویت‌ها و عناوین اصلی سیاست‌ها منضم به برنامه زمان‌بندی کلی شود، سپس برای برنامه ریزی و تصویب و اجرا در مراجع ذی‌ربط (از جمله شوراهای عالی و سه قوه) با الحاق جزئیات برنامه زمان‌بندی تحت مدیریت واحد عملیاتی گردد. به عبارت دیگر امر سیاست گذاری و سیاست های کلان ابلاغی بدون پیوست زمانبندی صرفاً یک جهت گیری کلی و حداکثر تولید محتوایی بیش نخواهد بود.

۴- انسجام، بهم پیوستگی و هم افزائی ساختار کلان نظام و اعمال مدیریت واحد با پرهیز از تخصیص اکثر

تحقق کارآمدی در همه عرصه‌های نظام ایجاب می‌کند که مجموع ساختار کلان نظام جمهوری اسلامی ایران - اعم از قوا، کلیه نهادها و سازمان‌های دولتی و عمومی به صورت یکپارچه، به هم پیوسته، منسجم و هم افزا، زیر نظر فرماندهی و مدیریت واحد عهده دار انجام وظایف مقرر در سیاست‌های کلان نظام و برنامه‌های پیشرفت و توسعه پنج ساله طبق اولویت‌های تعیین شده و در بازه‌های زمانی مقرر در الحاقیه زمان‌بندی سیاست‌های کلان ابلاغی و برنامه‌های توسعه باشند. در خصوص وحدت فرماندهی و اعمال مدیریت واحد توجه و اعمال تدبیر در خصوص نکات ذیل حائز اهمیت است:

الف- ریاست جمهوری در مقام رئیس قوه مجریه در عرض دو قوه دیگر محسوب شده، در حالی که جهت تحقق کارآمدی، همه قوا در راستای وحدت فرماندهی می‌بایست عهده دار وظایف مقرر در تحقق اهداف سیاست‌های کلان و برنامه‌های ابلاغی باشند.

ب- فراز و نشیب‌های ناشی از محدودیت زمانی دوره‌های ریاست جمهوری و عدم هم پوشانی برنامه‌های توسعه پنج ساله و حتی برنامه و بودجه سالانه بالاخص در سال‌های آغاز و پایان ریاست جمهوری

پ- ساز و کار ناکارآمد فعلی در انتخاب رئیس جمهور اصلح و واجد شرایط به نحوی که در مواردی رؤسای جمهور بدون پشتوانه مطالعاتی و کارشناسی قبلی عهده دار ریاست قوه مجریه می‌شوند.

ت- محدودیت اختیارات رئیس جمهور در به‌کارگیری همه ظرفیت‌های نهادهای و غیر نهادهای ساختار کلان نظام.

س- دیدگاه‌های متفاوت و در مواردی متعارض رؤسای جمهور که در مقاطع مختلف منجر به از دست رفتن فرصت‌های بی‌بدیل نظام شده است.

۵- نظارت مؤثر و کارآمد نهاد عالی نظارت بر عملکرد مسئولان ارشد و میانی در تحقق برنامه‌ها

نظارت مؤثر و کارآمد ضروری‌ترین واجتناب‌ناپذیرترین مؤلفه تحقق کارآمدی نظام است. با انجام نظارت مؤثر توسط ناظران نهاد عالی نظارت می‌توان دریافت آیا برنامه‌ها از پیشرفت مناسب جهت تحقق اهداف برخوردارند یا خیر؟ و بدون از دست دادن زمان‌های بی‌بدیل نظام و ابراز نارضایتی از فرصت‌های از دست رفته بعد از سپری شدن زمان برنامه‌ها و در حقیقت از دست رفتن فرصت‌های بدون بازگشت یک ملت، فقط نظارت مؤثر و کارآمد در مقاطع زمانی پیوسته‌های جزئیات زمانبندی است که می‌تواند مشخص کند عدم تحقق جزئیات آیا معطوف به بی‌کفایتی مسئولان اجرایی است یا

ناظر بر عدم سیاست گذاری درست و منطقی، که در صورت بی لیاقتی و عدم کفایت مسئول اجرایی صرفاً با عزل مسئول ذی ربط، علاوه بر ذخیره فرصت‌های باقیمانده نظام، پیام بسیار روشن آن در جدی بودن نظام جهت تحقق اهداف، برای سایر مسئولان کارساز و راه‌گشا خواهد بود و در صورت عدم تحقق جزئیات برنامه به علت نبود سیاست گذاری منطقی و درست، علاوه بر سنجش عملکرد مجامع ذی ربط، با انجام اصلاحات لازم و ضروری پیشرفت امور در مسیر طبیعی خود قرار می‌گیرد.

رهبری هم بر اساس قانون اساسی و هم اصل ولایت مطلقه در همه امور مملکتی به طور مستقیم و غیرمستقیم دخالت و مسئولیت، و برای احراز کارآمدی در همه عرصه‌ها و ارتقای آن ضروری است نظارت داشته باشد. علی‌هذا با توجه به مبانی فقهی و قانون اساسی مهمترین و اصلی‌ترین وظایف رهبری، هدایت امور و نظارت بر حسن جریان آن و کارآمدی و استمرار مشروعیت نظام در همه ابعاد آن است.

مهمترین ضمانت اجرای تحقق کارآمدی در همه عرصه‌های نظام، انجام مستمر و موردی نظارت مؤثر و کارآمد نهاد عالی نظارت نظام بر اجرای بدون تنازل سیاست گذاری‌ها و برنامه‌ها و اولویت‌های ابلاغی درباره‌های زمانی مقرر در پیوست برنامه‌ها است.

در همین رابطه رهبری، در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام فرمودند:

(آخرین نکته مورد نظر مسئله نظارت بر اجرای سیاست‌هاست. این بسیار مهم است... ما نباید دل خود را به این خوش کنیم که بنشینیم یک سیاست کلی را برای کشور تصویب می‌کنیم، اما بعد ملاحظه کنیم و ببینیم در عمل دستگاه‌های گوناگون اجرایی قوای سه گانه و بخش‌های وابسته به اینها هر کدام به راه دیگری می‌روند یا حتی از آن سیاست‌های کلی زاویه داشته باشند. این که نمی‌شود، حتماً باید نظارت شود... بخشی دیگر باید با پی‌گیری و یا با تصدی‌گری مجمع تشخیص و با یک سازوکار مناسب پیش برود... باید هم نظارت به معنای واقعی باشد هم دخالت در اجرائیات به معنای خاص اجرایی شدن از آن استنباط نشود و هم رهبری در جریان قرار بگیرد، یعنی حقیقتاً رهبری بداند که این سیاست‌ها کجاها اجرا شد و کجاها اجرا نشد. نمی‌شود منتظر پایان برنامه بود تا ببینیم آیا این برنامه اجرا شد یا نه، حضور این سیاست‌ها باید در قالب

قانون، مصوبات دولت و سیاست‌های اجرایی که اتخاذ می‌شود محسوس باشد). (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۱/۱۷، دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام)

مقام معظم رهبری مطابق ذیل اصل یکصد و دهم قانون اساسی این صلاحیت خود را به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار کرده که براساس آن مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام به تصویب این مجمع و تأیید مقام رهبری نیز رسیده است. در نتیجه علاوه بر تکلیف نهادها و قوای مختلف حکومتی مبنی بر اجرایی نمودن این سیاست‌ها و حرکت در چارچوب و در راستای مشخص شده توسط آن‌ها و اخذ جهت‌گیری‌های کلان از این سیاست‌ها، مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مکلف است بر حسن اجرای آن‌ها توسط تمامی نهادهای حکومتی و در رأس آن‌ها قوای سه گانه به عنوان مهم ترین مخاطب سیاست‌های کلی نظام نظارت داشته باشد و راهکارهایی را در چارچوب قوانین موضوعه جهت اجرایی شدن هرچه بهتر آن‌ها بیندیشد، اما متأسفانه تاکنون این نظارت آنچنان که درخور شأن و جایگاه این سیاست‌هاست صورت نگرفته و این امر در کنار کوتاهی برخی از مسئولان و مخاطبان سیاست‌های کلی نظام، مانع از اجرایی شدن مناسب این برنامه ها شده است. بدین منظور با عنایت به اهمیت موضوع نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها در شرع و قانون اساسی، مقام رهبری با توجه به مبنای مدیریتی و سرنوشت ساز آن در تحقق کارآمدی نظام، ضروری است راهکاری مناسب به منظور تأمین این نظارت به صورت موثر از سوی معظم له اندیشیده و اجرا شود (غلامی و بهادری، ۱۳۹۲، ۶۵). با عنایت به این روند نظارت، عملاً مجمع صرفاً پس از دریافت گزارش‌های واسله از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط می‌تواند نوعی نظارت انفعالی و پسینی نسبت به اقدامات انجام شده داشته باشد و نتیجه این نظارت نیز در نهایت به گزارش نتیجه به رهبری ختم می‌شود. هرچند این طرز نظارت از حداقل مزایایی نیز برخوردار است، اما با عنایت به آن چه تاکنون در باب جایگاه سیاست‌های کلی نظام و همچنین لزوم و اهمیت وجود نظارت جدی بر حسن اجرای این سیاست‌ها مطرح شد، به نظر نمی‌رسد چنین شیوه‌ای بتواند آن چه مدنظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ و همچنین مقام رهبری است را تأمین نماید (غلامی و بهادری، ۱۳۹۲، ۶۳). بدون ورود در جزئیات در خصوص نظارت بر عملکرد مسئولان نظام در تحقق برنامه‌ها با توجه به اهمیت سرنوشت‌ساز این نظارت‌ها در کارآمدی یا نا کارآمدی نظام و با عنایت به تجربیات موجود، به نظارت‌های تعبیه شده در قوا و نهادهای مختلف به هیچ عنوان نباید اکتفا کرد، بلکه دستگاه‌های نظارتی موجود ضمن انجام وظایف خود بنا به دلایل عدیده در خصوص صحت عملکرد خود می‌بایست به

دستگاه نظارتی نهاد رهبری نیز پاسخ‌گو باشند؛ به عبارت دیگر علی‌رغم تعدد دستگاه‌های نظارتی و در مواردی موازی‌کاری، صرف نظر از درستی یا نادرستی این کثرت، ضرورت دارد یک نهاد عالی نظارتی در طول، جهت‌جلوگیری از تشتت و گسیختگی در اخذ نتیجه مناسب و واقعی وجود داشته باشد.

۶- مقابله هم‌زمان، مستمر و همه‌جانبه با انواع فساد از سوی قوا و نهاد‌های ذیربط و پایش آن از سوی نهاد عالی نظارت

مقابله با فساد، به‌عنوان معضلی که تحقق اهداف نظام را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، یک فرآیند دراز مدت است و عناصر اصلی مقابله در این فرآیند، اراده توأم با تدبیر و عزم جدی دولتمردان کشور در مقابله با هر نوع فساد و پشتیبانی مستمر، قاطع و همه‌جانبه و بالسویه و همکاری و هماهنگی افراد جامعه است. به‌طور کلی، مقوله فساد در هر نوع آن دارای ماهیت پیچیده‌ای است و به‌طریق اولی مهار آن نیز از پیچیدگی‌های خاص برخوردار است. در معضل فساد متغیرهای مختلفی دخالت دارند که بدون ریشه‌یابی و در نظر گرفتن مؤلفه‌های اصلی ایجادکننده‌اش، مقابله با آن میسر نیست و یا نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. در این رابطه تغییر نگرش‌ها و توجه به رویکردهای ارزشی لازمه طی این مسیر است (موسوی، ۱۳۸۸، ۱۲۸). اساساً در جامعه و نظام دینی که فلسفه وجودی آن حاکمیت ارزش‌ها و حکومت صالحان و در نتیجه نفی فساد در همه انواع آن است و دارای پشتوانه عظیم فرهنگی و مکتبی است و به‌طور طبیعی و بالقوه از ظرفیت و توان لازم در سالم‌سازی محیط اجتماعی و تحقق سلامت اداری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برخوردار است، ضرورت دارد با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات ساختار کلان نظام جمهوری اسلامی ایران و با توجه به این یافته‌های مشخص که:

الف- بین فساد و ناکارآمدی ارتباط مستقیم وجود دارد.

ب- بین فساد و مردم‌سالاری رابطه معکوس وجود دارد.

ج- بین فساد و کارکرد نهاد‌های نظارتی رابطه معناداری وجود دارد.

د- بین فساد و رویکردهای ارزشی نسبت معکوس وجود دارد. (موسوی، ۱۳۸۸، ۱۲۹)

در امر بسیار مهم مقابله با فساد با تحقق اجرای منطقی و هوشمندانه نظارت موثر و سیستمی بر ارکان و زوایای امور نظام، گام های اساسی برداشته شود.

گام دوم: ارتقای کارآمدی پایدار نظام در تمامی عرصه ها

حکومت ها فارغ از نوع و ماهیت آن بدون مشارکت جامعه قادر به اداره ی امور خویش نخواهد بود حکومت اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده بلکه بنا به فرموده امام خمینی (ره) مبنی بر "فقه، تئوری کامل انسان و جامعه از گهواره تا گور" (امام خمینی، ۱۳۸۵) کلیه عرصه های مورد نیاز بشری را در بر گرفته و تحقق عملی آن به صورت مردم سالاری دینی مستلزم حضور و مشارکت مردم در امر حکومت می باشد. مشارکتی که علاوه بر آنکه حق افراد جامعه می باشد وظیفه و تکلیفی است که می بایست برای تحقق آن از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نبود. بر این اساس مردم سالاری دینی اشاره به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی استوار بوده و حاکم در چارچوب مقررات الهی، حق مداری، خدمت محوری و ایجاد بستر برای رشد و تعالی مادی و معنوی ایفای نقش می کند (رک، مصباح یزدی و نوروزی، ۱۳۸۹). تا حرکت و مشارکت جمعی مردمی در جامعه و نظام سیاسی گسترش نیابد مسئله ارتقای پایدار کارآمدی با مشکل روبرو خواهد بود؛ زیرا نه با تکرور رهبران نظام های سیاسی معضلات یک نظام حل می شود، نه با حاکمیت حداقلی و حزبی، پذیرش عنصر «جمهوریت» به عنوان یکی از دو رکن اساسی نظام سیاسی اسلام در کنار «اسلامیت»، مقتضی تفسیر ماهیت «مردمی بودن» این نظام و بررسی مناسباتش با «اسلامی بودن» آن است (رک، نوروزی، ۱۳۹۶). مشارکت در دنیای جدید به یکی از ارکان اصلی نظام های دموکراتیک تبدیل شده است. در این نظام ها، مشارکت مردم به عنوان عامل اصلی در تصمیم گیری ها و مدیریت جامعه شناخته می شود.

"مشارکت به معنای دخالت مردم در امور اجتماعی و اداره جامعه از ارزش های کم نظیر در جوامع بشری است. ارتباط حکومت و مردم از دیدگاه دین - که برخاسته از حقایق عقلی و نقلی است - حاکمان دینی را به نگاه صادقانه نسبت به ارزش مشارکت مردم سوق داده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۲۴-۲۳) از منظر ایشان اکثریت در حکومت نقش کلیدی دارند و این نقش شامل همه مراحل تعیین، تأسیس و تشکیل حکومت، نظارت بر آن و همکاری در راستای تحقق اهداف حکومت است. هرچند که مشروعیت حکومت ریشه در خواست و اراده مردم ندارد، چراکه "حاکمیت اسلامی مشروعیت خویش را از خداوند می گیرد؛ اما فعلیت، استقرار، استمرار و مقبولیت خود را از اکثریت مردم به دست می آورد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۴۱۸)

. ایشان همچنین بیان می دارند: با نگاهی اجمالی به مجموعه احکام اسلام، روشن می شود که روح جمعی، در همه احکام اسلام منتشر و مفروش است؛ بنابراین اگر اسلام، نظارت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و دفاع دارد و اگر حدود و مقررات و قوانین اجتماعی و جامع دارد، این نشان می دهد که اسلام یک تشکیلات همه جانبه و یک حکومت است و تنها به مسئله اخلاق و عرفان و وظیفه فرد نسبت به خالق خود یا نسبت به انسان های دیگر نپرداخته است! (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ۱۳۷). اگر جوهره مردم سالاری و دموکراسی را مشارکت سیاسی بدانیم، بی شک دین اسلام بر مشارکت سیاسی تاکید شایانی داشته و دارد که برخی از ساز و کارهای مشارکت سیاسی عبارتند از: امر به معروف و نهی از منکر، شورا و مشورت، النصیحه لائمه المسلمین و بیعت. این ساز و کارها به صورت قانونی در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز همچون بند ۸ اصل سوم (مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت)، اصل ششم (اداره کشور به اتکاء آراء عمومی)، اصل هفتم (شوراها)، اصل هشتم (دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر) و اصل پنجاه و نهم (همه پرسی) مقرر شده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ۱۶۰) در مقام جمع بندی تعاریف مذکور در حوزه ی حقوق و در عبارتی ساده می توان گفت مشارکت سهیم و شریک شدن افراد جامعه و پذیرش مسئولیت در فعالیت ها و وجوه گوناگون زندگی اجتماعی به منظور دستیابی به اهداف مشخص است. نظام های مردم سالار زمانی می توانند به کارآمدی پایدار دست یابند که حرکت و مشارکت جمعی مردم در آن نظام نقش اساسی داشته باشد تا حرکت و مشارکت جمعی مردمی در یک جامعه تعمیق و گسترش نیابد مسئله ارتقای کارآمدی پایدار با مشکل روبرو خواهد بود. ایجاد رابطه دو سویه موثر و کارآمد بین حکومت و مردم و حقوقی که حاکم بر مردم و مردم بر حاکم در نظام اسلامی نسبت به یکدیگر دارند مهم ترین ویژگی جهت ارتقای پایدار کارآمدی نظام در تمامی عرصه ها است. نظام جمهوری اسلامی ایران هم به لحاظ پتانسیل های ارزشی، هم به لحاظ ساختار و ساز و کارهای حاکمیتی و هم به لحاظ ظرفیت های عملی، می بایست در جایگاهی به مراتب کارآمدتر از سایر نظام های سیاسی دنیا قرار گیرد. اسلام دینی جامع است و همه شئون حیات انسان را تا ابد در بر می گیرد اصول جهان بینی اسلام مسیر حرکت جهان و انسان و جامعه را به خوبی تبیین و به صورت مستدل بیان کرده است بسیار طبیعی است که از چنین جهان بینی ای، کامل ترین نظام سیاسی پدیدار شود.

ویژگی مهم که تحقق (ارتقای پایدار کارآمدی نظام در تمامی عرصه ها) منوط به آن است حضور فعال و موثر ملت در صحنه و مشارکت و همراهی و هم افزائی آحاد جامعه با کارگزاران حکومت است که در صورت توجه بایسته به اقدامات مهم

و کلیدی ذکر شده، از سوی مسئولان ارشد نظام، تحقق ارتقای پایدار کارآمدی نظام در تمامی عرصه ها با همراهی ملت نه تنها دور از دسترس نخواهد بود بلکه به طور کامل دست یافتنی خواهد بود.

نتیجه:

مشخص ترین شاخص ناکارآمدی برای نظام سیاسی این است که اهدافی را تعریف و ابلاغ کند ولی تحقق پیدا نکند.

بررسی مقوله کارآمدی از سه جهت حائز اهمیت است:

۱- ارتباط کارآمدی نظام با موانع و مشکلات پیش رو، اعم از داخلی و خارجی

۲- نسبت کارآمدی نظام با امکانات، فرصت ها و ظرفیت های نظام سیاسی

۳- نسبتی که با تحقق اهداف سیاست های کلان و برنامه های ابلاغی توسعه و پیشرفت دارد.

آن چه در این پژوهش مد نظر بوده است با عطف توجه به مورد اول و دوم که طبیعتاً در سیاست گذاری ها و برنامه های ابلاغی لحاظ می شود، توجه اساسی و عمیق به مورد سوم یعنی نسبت کارآمدی با اهداف تعیین شده در اسناد بالادستی و برنامه های توسعه است. چرا که در موارد ۱ و ۲ در خصوص ارتباط کارآمدی با موانع و مشکلات پیش رو و یا نسبت کارآمدی با امکانات، فرصت ها و ظرفیت های نظام سیاسی، مفروض این است که سیاست گذاران و مدیران ارشد نظام، محدودیت ها و موانع مذکور را در سیاست گذاری ها لحاظ کرده و بدون گره زدن مسائل داخلی نظام به سیاست های پرفراز و نشیب خارجی و منطبق بر واقعیت های درونی و در نظر گرفتن امکانات و ظرفیت های مادی و معنوی درون نظام به سیاست گذاری و ابلاغ آن جهت اجرا مبادرت ورزیده اند.

همان طور که اشاره شد، تحقق موارد فوق مستلزم عزم جدی مسئولان نظام در امر شایسته سالاری و مبارزه باسویه با انواع فساد و توجه جدی به امر تعارض منافع، رانت و هرگونه تبعیض است و بی توجهی به موارد فوق، اعتماد عمومی، یعنی بی بدیل ترین سرمایه اجتماعی نظام را از بین خواهد برد. ارتقای کارآمدی علاوه بر تقویت مشروعیت سیاسی، افزایش امید در جامعه را به دنبال دارد. تحریم ها و چالش های سیاسی علت اصلی وضع موجود نیستند؛ مسئله اصلی نوع، چگونگی و روش مدیریت دست اندرکاران جامعه و عدم پای بندی به اجرای دقیق قانون است؛ لذا با توجه به اهمیت بی بدیل تحقق

کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران و ضرورت اجتناب ناپذیر ارتقای آن جهت الگوسازی در منطقه و جهان اسلام، دستیابی به وضعیت مطلوب و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، مهمترین وظیفه و تکلیف مسئولان و دست‌اندرکاران اجرایی کشور است و تحقق اهداف مندرج در اسناد بالادستی و برنامه‌های ابلاغی توسعه هیچ‌گاه میسر نمی‌شود، مگر در صورت سیاست‌گذاری منطقی و برنامه‌ریزی علمی و توجه بایسته به الزامات عملی آن، یعنی تبدیل کلیات اسناد بالادستی و برنامه‌ها و قوانین ابلاغی به جزئیات زمان‌بندی شده و متعاقب آن پایش جزئیات با استفاده از ابزار نظارت مؤثر نهاد عالی نظارت و در صورت عدم پیشرفت و تحقق اهداف طبق جزئیات زمان‌بندی، با اهتمام جدی و چاره‌اندیشی مسئولان ارشد نظام موانع برداشته شود. به منظور گسترش، تعمیق و نهادینه شدن ارزش‌های الهی و انسانی، حصول اطمینان از رعایت همه جانبه حقوق مردم، می‌بایست نظام ارزیابی و کنترل و نظارت بر عملکرد مسئولان اجرایی فعال شود و خروجی اقدامات جهت فرهنگ‌سازی و نهادینه شدن و عبرت‌گیری بالسویه در معرض افکار عمومی قرار گیرد؛ بدین ترتیب حصول کارآمدی و ارتقای آن دور از دسترس نخواهد بود. در این راستا ضروری است ساختار کلان نظام متشکل از سه قوه و مجمع تشخیص مصلحت نظام و کلیه سازمان‌ها و نهادهای عمومی، تحت یک انسجام و به هم پیوستگی کامل و به صورت یکپارچه زیر چتر نظارتی قرار گیرند و ضمن انجام امور محوله و وظایف نظارتی خود طبق قانون اساسی و قوانین مصوب، به نهاد مزبور نیز پاسخ‌گو باشند. مدیریت مبتنی بر نظارت این است که اهداف مشخص باشد و بر اساس آن اهداف، بر عملکردها و هزینه کردها نظارت شود. موضوعات اصلی و مستمر برای رصد نظارت عالی، کنترل عملکرد مقامات اجرایی طبق پیوست‌های زمان‌بندی اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه و پیشرفت ابلاغی با جزئیات یک ماهه، سه ماهه، شش ماهه و یک ساله است. سیاست‌های کلان و برنامه‌های توسعه ابلاغی در صورت نداشتن این پیوست‌های زمانی صرفاً تولید محتوا و آرمان‌های جهت اطلاع محسوب می‌شوند و طبیعتاً فاقد ارزش اجرایی‌اند. در سیاست‌گذاری‌های کلان و سیاست‌های ابلاغی فرض این است که شرایط موجود کشور در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به‌درستی آسیب‌شناسی شده و خروجی سیاست‌گذاری‌های اسناد بالادستی و برنامه‌های ابلاغی توسعه و قوانین مصوب، حاصل ارزیابی‌های درست، منطقی و اولویت‌بندی شده از شرایط موجود است که اجرای دقیق برنامه‌های ابلاغی، نظام را در مسیر درست پیشرفت و توسعه و رسیدن به اهداف تعیین شده رهنمون می‌سازد. به عبارت دیگر، در خصوص مبانی، چگونگی، چرایی، محتوا و مفهوم سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه و پیشرفت مفروض این است که در مجامع ذی‌ربط

به لحاظ عدم مغایرت، مابینت، تضاد و تغایر با مبانی ارزشی و نیازهای عصر حاضر جامعه، بحث و بررسی‌های لازم و کافی صورت گرفته و آن چه مطلوب و مورد نظر نظام جمهوری اسلامی ایران جهت برون رفت از مشکلات و مسائل است به صورت برنامه مدون و راه‌گشا ابلاغ گردیده است. در چنین وضعیتی فقط پایش و نظارت عالیه و مؤثر نهاد عالی نظارت رهبری طبق جزئیات برنامه زمان‌بندی و انعکاس نتایج حاصله به محضر رهبر معظم انقلاب و عنداللزوم رؤسای قوا می‌تواند با تصمیمات تعیین‌کننده و رهنمودهای رهبری معظم انقلاب مسیر ارتقای کارآمدی نظام را هموارتر سازد. طبیعی است ماحصل و خلاصه گزارش‌های نظارتی، بسته به اهمیت آن در تحقق یا عدم تحقق اهداف در بازه‌های زمانی مشخص برای رهبری نظام و عنداللزوم رؤسای قوا جهت تدبیر امور ارسال می‌شود. در خصوص پایش جزئیات زمان‌بندی اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه پنج ساله، قطعاً اجرای درست و صحیح آن، در زمان مقرر ما را به سمت توسعه و پیشرفت مد نظر نظام سوق خواهد داد.

ضروری است جهت جلوگیری از ایجاد خلأ و وقفه در پیشرفت امور اجرایی کشور در چارچوب برنامه‌های ابلاغی و الزام رؤسای جمهور به اجرای برنامه‌ها و قوانین مصوب، جزئیات زمان‌بندی برنامه‌ها و میزان حصول نتایج، هنگام نقل و انتقال مسئولیت ریاست جمهوری در هر دوره، میزان تحقق اهداف در شاخص‌های اصلی و در زمان‌های مقرر، مراتب به‌طور رسمی پس از درج در صورت جلسه تحویل و تحول ریاست جمهوری طی گزارشی با تأیید نهاد عالی نظارت از طریق رسانه ملی به اطلاع ملت ایران برسد.

به اعتقاد نویسنده در صورت توجه بایسته مسئولین ارشد و کارگزاران نظام به چارچوب تدوین شده در این پژوهش، مشکلات و ناکارآمدی‌های موجود نظام، تبدیل به کارآمدی و ارتقاء پایدار آن خواهد شد.

منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه، (۱۳۹۲). سید شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، ناشر، کارگاه فیلم و گرافیک سپاس، صص ۴۲۰-۴۰۶

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۱/۱/۱۷ <http://leader.ir>

اخوان کاظمی، بهرام؛ (۱۳۸۶). درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ص ۶۰

اصغری، رضا (۱۳۹۲). بررسی تاثیر نظارت ذیحسابان بر عملکرد مالی دستگاه‌های اجرائی استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده مدیریت و اقتصاد

پرچمی، داوود، جلالی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر کارآمدی سیاسی دولت‌ها در منطقه غرب آسیا، شماره ۷۱، مطالعات راهبردی بسیج پیرنیاکان، لطف الله (۱۳۹۹) مفهوم و گونه‌های نظارت و کنترل در حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، دوره اول، شماره اول، صص ۷۹-۶۷

توکلی، سمیرا (۱۴۰۱). بررسی راه کارها و چالش‌های حسن نظارت بر اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه شمال، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

جاوید، محمد جواد (۱۳۹۲). مشروعیت قدرت و مقبولیت دولت در قرآن، چ دوم، تهران، نشر میزان

جاوید، محمد جواد، زفرقندی، علی (۱۳۹۲). راهکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی، فصلنامه حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۶، صص ۸۸-۶۹

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸) مبانی حقوق عمومی، با تاکید بر منظومه فکری آیت الله جوادی آملی، سمت، سازمان چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف و امور خیریه، ص ۱۳۷

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷) نسبت دین و دنیا، چ ۵، قم، مرکز نشر اسراء صص ۲۴-۲۳

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱) جامعه در قرآن، چ ۴، قم، مرکز نشر اسراء، ص ۴۱۸

خواجeh زاده، عباس (۱۳۹۸). تضمین سلامت نظام اداری در پرتو نظارت و بازرسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفت، گروه حقوق

راسخ، محمد (۱۳۹۸). نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، چ ششم، انتشارات دراک

زمانی، محمد جواد (۱۴۰۰) تحول حوزه عمومی از طریق محتوای کاربر ساخته طبقه متوسط در شبکه‌های اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم و ارتباطات

زهیری، علیرضا؛ (۱۳۹۸). درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سلیمی، عبدالحکیم، (۱۳۹۰)، ماهیت نظارت رهبری از منظر قانون اساسی، معرفت حقوقی، شماره ۱، ص ۱۱

شفیعی‌فر، محمد، قربانی، مصطفی (۱۳۹۵). تعاملات کارآمدی و مشروعیت نظام‌های سیاسی

عامری، زهراء (۱۳۹۳) نظارت سیاسی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با تطبیق در اندیشه علوی با تاکید بر نهج البلاغه

عطار، سعید، خواجه نایینی، علی (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام سیاست گذاری در ایران

عمید زنجانی، عباسعلی؛ موسی زاده، ابراهیم (۱۳۹۹). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری ج سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۷

قمی، محسن، فقیهی، اعظمی، سید مهدی (۱۳۹۲). کارآمدی فقه سیاسی در نظام مردم سالار دینی

کلانتری، ابراهیم، (۱۳۹۳). کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای کوتر، ها اودانل، سیریل، و بهریخ وهانس، (۱۳۷۰) اصول مدیریت، ترجمه محمد علی طوسی و دیگران، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص. ۱۶۶

لاریجانی، محمد جواد؛ (۱۳۷۴). حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران، انتشارات سروش، صص ۷۷-۵۸

موسوی، سید احمد (۱۳۸۸). تاثیر رویکردهای ارزشی در مقابله با فساد با تاکید بر ساز و کار نظارت در ایران

موسوی، سید غلامرضا؛ واعظی، احمد، (۱۳۹۸). نگرش سیستمی و مسئله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر ظرفیت های نهاد ولایت، نشریه علوم سیاسی، شماره ۶۴، قم: دانشگاه باقرالعلوم

مهاجرنیا، محسن، (۱۴۰۳). نظریه مشارکت در نظام مردم سالاری دینی، قم

نبوی، سید مرتضی (۱۳۹۷). جمهوری اسلامی ایران و چالش های کارآمدی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

نوروزی، مجتبی (۱۳۹۶). مبانی و مولفه های سیاسی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

نوروزی، محمد جواد (۱۳۸۹) عرفی گرایی و فرایند شکل گیری جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی